**بسم الذي هو منفخ الر‏ وح في**

**أجساد الکلمات بر وح قدس منير**

حمد خدا را که عيون حيوان غيبی که در حجبات ستر إلهی مستور بود بتأييدات روح القدس علوی از حقايق کلمات جاری و ساری گشت \* بلی چشمه حيات مشهور که بعضی از عباد در طلب او شتافتند حيات ظاهری عنصری بخشيد \* و اين چشمه حيات که در کلمات سبحانی جاری ومستور است حيات باقی و روح قدسی بخشد \* مبدأ و محلّ آن چشمه ظلمات ارض است \* و مبدأ و سبب اين چشمه جعد محبوب \* چون حور معانی که ازل الآزال خلف سرادق عصمت صمدانی مستور بود وقتی از ساحت قدس سلطان لا يزالی اذن خواست که از غرفات خلوت روحانی بانجمن رحمت ربّانی در آيد و يک تجلّی از تجلّيات مکنونه بر عوالم قدس احديّه اشراق فرمايد در اين حين منادی از مصدر الوهيّت کبری و مخزن ربوبيّت عظمی ندا نمود که خلقی که قابل اين تجلّي و اشراق شوند مشهود نه \* امر بخلق جديد و صنع بديع گشت \* جميع أهل ملأ أعلی و سکّان رفارف بقا متحيّر گشتند که اين خلق بديع از چه عنصری مخلوق شوند و از چه حقيقتی موجود آيند \* در اين حين نسيم صبای قدسی از سبای فردوس معنوی بوزيد و غبار لطيف معطّری از گيسوی آن حوری روحانی آورد و در آن ساعت چند قطره شراب نورانی از کوثر جمال حضرت رحمانی در آن غبار چکيد و دست قدرت صمدانی از کنز غيب رحمت سلطانی ظاهر شد و آن غبار روحانی را بماء عذب نورانی عجين فرمود و بعد نَفَسی از نفس قِدمانی در او دميد اذاً قاموا خلقٌ لو ينظر أحدٌ منهم بِطَرْفِ طَرْفه علی أهل السَّموات و الأرض لينعدمنَّ کلّهنّ و ينقلبنّ و يرجعنّ الی عدم قديم \* و بعد أمر مبرم از سماء أمر الهی شد که أهل سرادق عظمت و أهل حجبات قدرت و ملأ کرّوبين و حقائق صافّين جنّت خلد را بأنوار جمال تزيين نمايند و بفرش سندس و استبرق قدسی فرش نمايند \* و بعد اذن خروج از سماء ظهور رسيد و آن حوريّه روح از خلف سرادق کبری بيرون آمد و بر سکّان أهل سماوات و أرض بذل روح حقيقی فرمود و بعد از قيام بر فراش سندسی حرکتی فرمود و از آن حرکت از شعرات او چند نقطه سودا که حاکی از ان ظلمت نورا بود بر ارض استبرقی چکيد و از آن نقطه های معدوده اين کلمات بديعه تزيين يافت و کوثر حبيّه در ظلمات عيون اين کلمات مستور گشت \* پس ای همپران هوای قدسی از توجه بدنيای فانی خود را از اين سلسبيل باقی ممنوع ننمائيد شايد برفارف بقای لقای جمال ذوالجلال اذن دخول يابيد \* وکذلک نذکر لکم الأسرار فيما سُترَ علی عقولکم وقلوبکم في الماء الّذي ذکر في کلّ الألواح بالحيوان لعلّ أنتم إلی هذا الماء في هذا المعين بعد انقطاعکم عن کلّ مَنْ فی السّموات والأرض إليه تصلون \* وإلی بدايع فيض فضله ترجعون \*